

## هو السّامع من افقه الأعلى

حمد مقدّس از ذکر و بیان ساحت امنع اقدس حضرت مقصودی را لایق و سزاست که از قلم اعلیٰ کوثر بقا جاری فرمود و از قطره آن مقبلین را حیوة ابدی عطا نمود و این قطره در مقام اوّل و رتبه اولیٰ بیهت نقطه ظاهر و از او علوم اوّلین و آخرین را از عالم غیب بعرضه شهود آورد و چون خدمتش مقبول افتاد بحرف باء مؤانس گشت و باو علم آنه لا اله الا هو مرتفع و رایت نصر و ظفر منصوب اوست مقتدری که اراده اش را قدرت کائنات و قوت ممکنات منع نماید طوبی از برای نفوسی که از سلسبیل کلمه یفعل ما یشاء نوشیدند و خود را از عالم و عالمیان فارغ و آزاد مشاهده نمودند آنک اذا سمعت صریر قلمی الأعلیٰ و شریث رحیق الوحی من كأس عطاء مولی الوری قل

سبحانک یا مولی الأسماء و فاطر السّماء اشهد بوحدانیتک و فردانیتک و بعظمتک و اقتدارک اسألك بسراج امرک الذی به نورّ العالم و باسمک الأعظم الذی به هدیت الأمم ان تجعلنی فی کلّ الأحوال ناطقاً بشنائک و قائماً علی خدمة اولیائک و متمسکاً بحبلک ای ربّ تری اقبالی الی افقک و توجّهی الی انوار وجهک اسألك ان لا تجعلنی محروماً عمّا کتبه لأصفيائک الذین ما منعتهم سیوف الأعداء عن الاقبال الی افقک الأعلى و لا ضوضاء العلماء عن ذکرک یا مالک العرش و الثری و ربّ الآخرة و الأولى ای ربّ تری العاصی اراد بحر غفرانک و عفوک اسألك بکرمک الذی احاط علی العالم ان تغفر جریراتی و خطیئاتی و قدر لی ما یجعلنی مستقیماً علی امرک بحيث لا یمنعنی ظلم المعتدین و لا شبهات المریین و لا اشارات الذین کفروا بیوم الذین ای ربّ لا تمنعنی عمّا اردت من سماء فضلك نور ارکانی بچودک و رحمتک و قلبی بأنوار نیر ظهورک آنک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت الغفور الکریم

نامه‌ئی که بعد حاضر ارسال نمودی نزد مظلوم مذکور عرف اقبال و ایمان از آن متضوع از حقّ میطلبیم از هر یک از احبّای آن ارض ظاهر فرماید آنچه را که سبب هدایت خلق است و همچنین جاری نماید آنچه را که علّت حیوة اهل عالم است لیس هذا علی الله بعزیز در سلمان و ابادر تفکر نما که بعد از قبول بچه مقام فائز گشتند عنایتش تمار را از اخیار نمود و عدلش ابرار را از اشرار اینست معنی کلمه یجعل اسفلکم اعلاکم و اعلاکم اسفلکم در اصحاب عیسی بن مریم تفکر نما باخذ اعشار و سمک مشغول بودند ولکن از پرتو انوار نیر برهان بمقامی رسیدند که عالم را صید نمودند چه که از خود و ما عندهم گذشتند و به ما عند الله اقبال کردند و تمسک جستند اراده و مشیت خود را در مشیت الله محو و فانی نمودند و بخدمت قیام کردند قیامی که سطوت یهود عنود و عبده اصنام ایشان را از مالک ایجاد منع نمود از حقّ میطلبیم کل را تأیید فرماید و حفظ نماید ولکن بعضی از اهل بیان باسبابی که سبب تفریق و اختلافست مشغول اصل را گذاشته‌اند و در فکر آنند عجلی یافت شود و بان تمسک نمایند و سبب فتنه اخری گردند باید کل از حقّ جلّ جلاله مسئلت نمایند آنچه را که سبب اعلاء کلمه و علّت استقامت بر آن است قلم اعلیٰ ترا وصیت مینماید بآنچه سبب ابقا و ارتفاع است و دوستان آن ارض طراً را بحکمت امر نموده و مینماید لئلا یظهر منهم ما تضطرب به الأفتدة و النفوس لازال اولیای آن ارض تحت لحاظ بوده و هستند انا ذکرنا الذی صعد الی الله بذکر لا یتغیّر عرفه و لا تنقطع نفعاته آنها تکنون باقیه ببقاء الملک و الملکوت یشهد بذلک مالک الجبروت اذ استوی علی العرش بسطان مبین الذی سمی بمحمّد قبل علی فی کتاب الأسماء علیه بهاء الله و بهاء من فی السّموات و الأرضین انا طهرناه عمّا لا ینبغی و رفعناه الی مقام عجزت عن ذکره الأفلام

و نذکر اینک الذی سمی بمحمّد قبل حسن و ذکرناه بما نزل له فی هذا الحین امطار رحمة ربّه الغفور الکریم

یا رفیع امروز کلمه الله از صد اولاد افضل بوده و هست جهد نمائید برضای دوست فائز شوید و ظاهر شود از شما آنچه که ذکرش در کتاب الهی مخلّد گردد اینست اولاد حقیقی و قوه عین حقیقی و ذریه حقیقی کذلک نطق المظلوم از

احاطت به الأحران بما اكتسبت ایدی الظالمین یا اهل البهآء لا تحزنوا من شیء الآ فیما ورد علینا من جنود الغافلین انا صبرنا  
فی البأسآء و الصّرآء و امرنا اهل البهآء بالصبر الجمیل  
امّ طفل را ذکر مینمائیم و بشارت میدهیم بانچه که در این لیلہ نازل شدہ البهآء من لدنا علی الذین اخذوا كأس البقاء  
باسمی الأبهی و شربوا منها رغماً لکلّ غافل بعید و کلّ عالم مریب

---

این سند از [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استخراج شده است. شما مجاز هستید از متن آن با ترجمه به مقررات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۶ مارس ۲۰۲۳، ساعت ۶:۰۰ بعد از ظهر